

کتاب طرائف و شکوفه
بستان لطافت و باغ ارم حضرت
سید

دآن روز روزه است پس مدت عمر او در دنیا مضایق
او باشد **سلطان** **عزیز** کسی که غار صبح را گزارد حضرت آدم
بود علیه السلام و آن دآن چین بود که از دست وطن اصلی
خوبیرون افتاده بود و در غربت دارد دنیا محبوس مانده
و از قرب یسعفا فاده و از داریت با رفاه رحلت کرده
بسیب ارتکاب منامی ناکاه عنایت ازلی و سعادتی
ابدی از راه کرم استقبال حال او کرده و توبه را رفیق راه
او کرد **شیر** کدای حضرت او بهن و پادشاهی کن مکن
مخالفت او و هر چه خواهی کن ترا ز عالم علوی فرستگان
بردم ناکند که در ویس **بکلی** و **سای** کن **چو** جم
بکلی بسلطانی جهان قانع **بکونی** سلطنت از ماه

تا غای کن **خلایق** امر خداوند موجب
سختیست رضای حق طبع توبه از منامی کن
حون بحقیقت توبه **سالیما** **الذین** امنوا **توبوا** **الی الله** **توبه**
نصوحا مشرق کشت از تنگنای غای جهل و غفلت خلاص
یافت و خانه دول را بنور علم و معرفت منور ساخت حکم
و علم آدم **الاسماء** **کلها** یعنی از شب فراق خلاص یافت
و بود وصال **وصولا** یافت و **اکو** ازین رو **سنت**
بمخوامی شب فراق که عبارت از انانیت او بود که حجاب
اوسته بود و بصبح وصال که عبارت از ظهور حقیقت
است رسید فناء فی الله یافت و بقاء بالله **بیکرا** **نرا**
در وقت صبح مناسبه آن و در کت غار گزارد